



Factors Influencing Men's Extramarital Relations: A Qualitative Study of Women's Experiences

Maryam Jamali ¹, Touba Shakeri ², Fazlollah Ahmadi ³, Parviz Azadfallh ⁴

¹ Phd Student, Faculty of Humanitis, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

² Associate Professor, Faculty of Humanitis, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

³ Professor, Nursing Department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

⁴ Associate Professor, Faculty of Humanitis, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

* **Corresponding author:** Maryam Jamali, Phd Student, Faculty of Humanitis, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: mjamali1388@gmail.com

Received: 08 Dec 2019

Accepted: 27 Apr 2020

Abstract

Introduction: The purpose of this study was to investigate women's experiences of the factors underlying men's extramarital relationships.

Methods: The qualitative research project was based on the phenomenological approach. The statistical population of the study included people with spinal cord injury in Isfahan in 2018. Among them, 16 individuals were selected based on the criteria for entering and leaving the research, semi-structured interviews, and data saturation. Then, the data were analyzed using a quantitative method.

Results: : As a result, the main themes and their components and supportive semantic themes were categorized in five main topics of women's vulnerabilities, men's weaknesses, problems in spousal intimacy, failure-prone marriages, and family dysfunction. Each of the above components had several supporting semantic units.

Conclusions: Phenomenological themes discovered through lived experiences of women yield new information about the etiology of men's meta-cognitive relationships, which necessitates in-depth explanation of their lived experiences by psychologists and specialists and the development of effective preventive measures based on these findings.

Keywords: Extramarital Relationships, Men's Infidelity Phenomenology Study



عوامل زمینه ساز روابط فرازناشویی مردان، مطالعه کیفی از تجارب زنان

مریم جمالی^۱، دکتر طوبی شاکری^۲، فضل الله احمدی^۳، پرویز آزادفلاح^۴

^۱ دانشجوی دکتری مطالعات زنان، گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

^۲ دانشیار، گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

^۳ استاد، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

^۴ دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: مریم جمالی، دانشجوی دکتری مطالعات زنان، گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت

مدرس، تهران، ایران. ایمیل: mjamali1388@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۰۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۷

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف بررسی تجارب زنان از عوامل زمینه ساز روابط فرازناشویی مردان انجام شد. **روش کار:** طرح پژوهش کیفی و بر پایه رویکرد پدیدارشناسی بود. نمونه‌گیری به روش مبتنی بر هدف انجام بر اساس قانون اشباع داده‌ها شامل ۲۹ نفر که با استفاده از مصاحبه حضوری نیمه ساختاریافته مورد ارزیابی قرار گرفتند. متن‌های حاصل از مصاحبه‌ها به وسیله رویکرد پدیدارشناسی و با استفاده از روش کلایزی تحلیل شدند. **یافته‌ها:** در نتیجه مضمون اصلی و زیر مؤلفه‌های آن‌ها و واحدهای معنایی حمایت‌کننده از مضمون در ۵ مضمون اصلی ویژگی‌های آسیب زای زن، ویژگی‌های آسیب زای مرد، اختلال در صمیمیت زوجین، ازدواج با احتمال شکست و خانواده آسیب‌زا کشف شدند. هر یک از مؤلفه‌های فوق دارای چندین واحد معنایی حمایت‌کننده بودند. **نتیجه‌گیری:** مضامین کشف‌شده با روش پدیدارشناسی بر اساس تجربه زیسته در این مطالعه اطلاعات جدیدی در خصوص علل و سبب‌شناسی روابط فرازناشویی مردان به دست داد که روان‌شناسان و مشاوران خانواده می‌توانند از این یافته‌ها برای طراحی روش‌های پیشگیری استفاده نمایند. **کلیدواژه‌ها:** روابط فرازناشویی، بی‌وفایی زناشویی مردان، مطالعه پدیدارشناسی

تمامی حقوق نشر برای انجمن علمی پرستاری ایران محفوظ است.

مقدمه

نامشروع و یا سوءظن، توسط همسران خود به قتل رسیده‌اند. از سوی دیگر، ۲۲ درصد از قتل‌های خانوادگی مربوط به قتل مردان توسط همسرانشان است که زنان با هم دستی معشوق خود، شوهرانشان را به قتل رساندند [۸].

عوامل مختلفی در شکل‌گیری روابط فرازناشویی در بین زوجین نقش دارد. مثلاً با نگاهی به گذشته‌ی کسانی که درگیر چنین روابطی شده‌اند می‌توان شاهد بود که بیشتر این افراد در میان خانواده‌هایی بزرگ شدند که در میان آنها خشونت خانوادگی پر رنگ بوده است [۹]. افرادی که در دوران کودکی مورد سوء استفاده‌های جنسی قرار گرفته بودند و یا پدر و مادری داشتند که خودشان مرتکب چنین رفتارهایی می‌شدند [۱۰].

روابط فرازناشویی همانند مسائل دیگر مربوط به ازدواج یکی از مسائل اجتماعی بسیار مهم و بحرانی جامعه است و به هر گونه روابط جنسی یا عاطفی فراتر از چهارچوب روابط متعهدانه بین دو همسر اطلاق می‌گردد [۱]. روابط فرازناشویی نوعی رابطه‌ی جنسی، عاطفی یا جنسی-عاطفی با فردی غیر از همسر است که از همسر پنهان می‌شود [۲]. این آسیب می‌تواند آسیب‌های روانی بسیاری بر زوجین برجای بگذارد؛ به گونه‌ای که روابط فرازناشویی یکی از دلایل عمده‌ی طلاق و از هم پاشیدن ازدواج است [۳]. آسیب‌شناسان معتقدند که در سال‌های اخیر روابط فرازناشویی افزایش یافته است. براساس نتایج چندین مطالعه، روابط فرازناشویی در مردان رایج‌تر از زنان می‌باشد [۴-۷]. حدود ۳۰ درصد از قتل‌های خانوادگی، به زنانی مربوط است که به دلیل رابطه

به اطلاعات موجود، مطلبی نیفزودند. بنابراین حجم نمونه بر اساس قانون اشباع مشخص شد. پس از ۲۹ مصاحبه، اطلاعات جدیدی اضافه نشد و تحلیل بر روی ۲۹ مشارکت‌کننده انجام شد.

پس از برقراری ارتباط با شرکت‌کنندگان و گرفتن شرح مختصری از زندگی مشترک و چگونگی وضعیت فعلی آن‌ها، مصاحبه‌ها با سؤالات باز "تجربه خود را از مورد خیانت قرار گرفتن توسط همسران شرح دهید؟" و "چه عواملی را در بروز خیانت از سوی همسران مؤثر می‌دانید؟" شروع می‌شد و سؤالات بعدی بر اساس مسیر مصاحبه و پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان مطرح می‌گردید. مدت‌زمان مصاحبه برحسب شرایط جسمی، روحی، مشغله کاری، تمایل بیشتر برای صحبت و روند مصاحبه، بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، تجزیه و تحلیل اطلاعات انجام گرفت. در این مرحله تحلیل داده‌ها به شیوه‌ی ۷ مرحله‌ای کلازی صورت گرفت.

برای اطمینان از صحت و دقت یافته‌های پژوهش در این بخش، ۴ معیار اعتبار، قابلیت اعتماد، قابلیت انتقال و تأیید پذیری در پژوهش‌های کیفی Lincoln و Guba [۱۱] برحسب موارد زیر رعایت شدند: محقق جهت جمع‌آوری صحیح اطلاعات، ارتباط معناداری با شرکت‌کنندگان برقرار نمود تا آن‌ها دور از هرگونه احساس فشار، کلیه احساسات، بینش‌ها و تجارب خود را به‌طور واقعی مطرح نمایند جهت صحت تعبیر و تفسیر اطلاعات، محقق از تکنیک کنترل‌های اعضا استفاده کرد بدین‌صورت که به افراد شرکت‌کننده در مطالعه رجوع نمود و توصیف خود از تجارب آن‌ها را به تأییدشان رسانید؛ علاوه بر این، جهت رسیدن به قابلیت اعتبار از دو تکنیک دیگر یعنی تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی (نظیر نمایش و ارائه‌ی تحلیل‌های داده‌ها و نتایج آن به متخصصان امر) و تکنیک خود بازبینی محقق در طی فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده گردید. در این تحقیق تلاش گردید که در جهت افزایش قابلیت اعتماد، در فرآیند گردآوری داده‌ها از هر نوع سوگیری اجتناب شود. جهت افزایش قابلیت تعمیمی و انتقال یافته‌های پژوهشی، نمونه‌ها از سنین مختلف، و شرایط تحصیلی و طبقه اجتماعی متفاوت انتخاب گردیدند. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی ابتدا درباره اهداف تحقیق و روش انجام مصاحبه توضیح داده شد و رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان کسب و با اجازه آن‌ها مصاحبه ضبط شد.

یافته‌ها

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج جدول دامنه سنی مصاحبه‌شوندگان از ۱۹ تا ۴۶ سال، میزان تحصیلات مصاحبه‌شوندگان از زیردیپلم تا دکتری بود.

در ادامه مضمون‌های اصلی و زیرمضمون‌های به دست آمده ارائه شده است. شکل زیر مقوله‌های اصلی و زیرمضمون‌های به دست آمده را از تحلیل مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش نشان می‌دهد. در ادامه مضمون‌های اصلی و زیرمضمون‌های به دست آمده ارائه شده است. **شکل ۱** مقوله‌های اصلی و زیرمضمون‌های به دست آمده را از تحلیل مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش نشان می‌دهد.

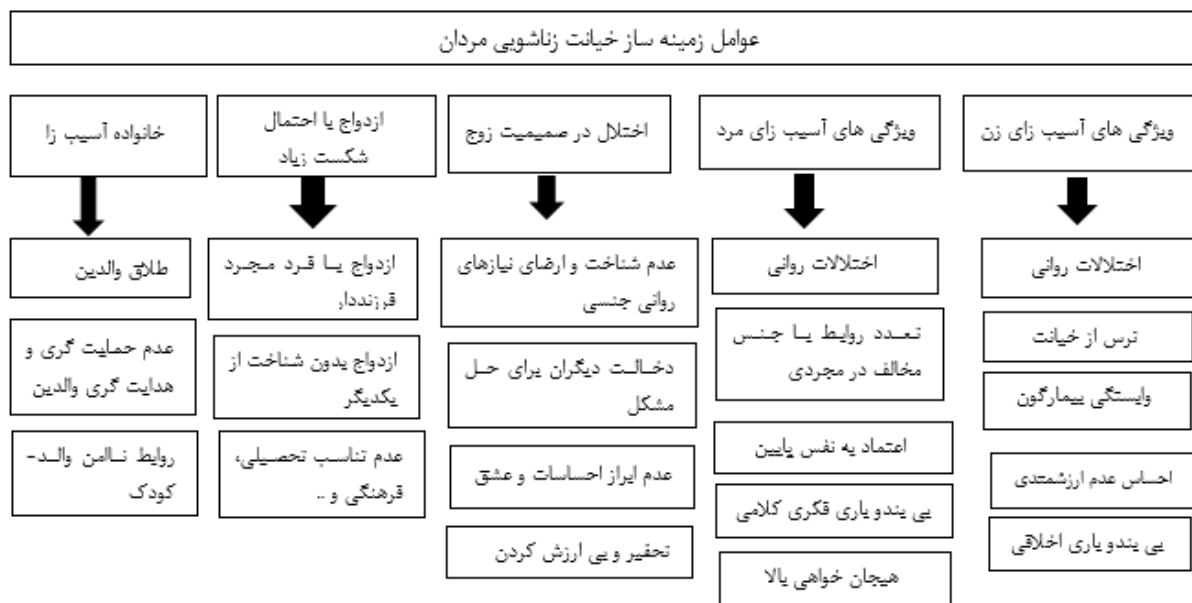
در کشورهای مختلف، در خصوص علل و عوامل به وجود آورنده روابط فرازنشویی و روش‌های درمان و پیشگیری آن تحقیقات مختلفی انجام شده است. آنچه در اینجا باید مد نظر قرار گیرد این است که این مدل‌ها همه برخاسته از مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در بافت و فرهنگ‌های مختلف بوده است و برای بررسی عوامل مؤثر بر روابط فرازنشویی در جامعه ایرانی کفایت نمی‌کند. این در حالی است که به دلیل حساسیت زیاد و دسترسی نداشتن آسان به افرادی که مورد خیانت قرار گرفته‌اند و یا روابط فرازنشویی داشته‌اند و نیز واکنش شدید جامعه و قوانین به عاملان این پدیده، پژوهش‌ها در این زمینه در کشور ایران بسیار ناکافی است. همچنین توجه جدی از سوی کارشناسان و پژوهشگران به بی‌وفایی زنشویی، به عنوان زنگ خطری برای امنیت و سلامت افراد، خانواده و جامعه نشده است. مرور مطالعات پیرامون روابط فرازنشویی در ایران نشان می‌دهد که این مطالعات به صورت کمی و با در نظر گرفتن تعداد محدودی از متغیرها، به بررسی پدیده روابط فرازنشویی پرداخته‌اند و یا اگر به صورت کیفی پژوهشی انجام شده، بیشتر جنبه توصیفی این مسئله را بررسی کرده‌اند. همان گونه که مطالعات در بافت‌های فرهنگی گوناگون نشان می‌دهد روابط فرازنشویی، پدیده‌ای چند بعدی و دارای پیامدهای روانشناختی، خانوادگی و اجتماعی است. در پژوهش‌های گذشته، اغلب به عوامل زمینه ساز و مخرب روابط فرازنشویی به طور جداگانه پرداخته شده است اما متأسفانه به ارتباط میان عوامل اجتماعی، روانشناختی و فرهنگی این موضوع توجهی نشده است. در این پژوهش سعی شده است به بررسی عمیق‌تر و چند جانبه عوامل زمینه ساز پدیده روابط فرازنشویی بر اساس تجربه مستقیم زنانی که همسران آنها روابط فرازنشویی داشته‌اند، پرداخته شود. از طریق مصاحبه‌های عمیق با این زنان و تحلیل مصاحبه‌ها، تجربه این زنان از خیانت همسرانشان به شکل چند جانبه و در ابعاد مختلف شرایط علی بروز خیانت و شرایطی که زمینه ساز ظهور خیانت است و نیز شرایطی که موجب تسهیل روابط فرازنشویی می‌شود، مورد بررسی قرار داده شده است.

روش کار

پژوهش حاضر به شیوه کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی توصیفی و روش تحلیل هفت مرحله‌ای کلازی صورت گرفت. جامعه این تحقیق زنان ۲۰ تا ۵۰ ساله‌ای هستند که به دلیل مشکل روابط فرازنشویی همسر به یکی از دادگاه‌ها و مراکز مشاوره روانشناسی و روانپزشکی شهر کاشان در طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ مراجعه کرده بودند. روش نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند بود. در این مرحله از پژوهش، پژوهشگر در طی دو ماه با مراجعه به مراکز خدمات روانشناختی سطح شهر کاشان با زنان که تجربه خیانت از طرف شوهرانشان را داشتند، بر اساس معیارهای ورود و خروج (زنانی که درگیر روابط فرازنشویی همسر بودند، دارای تحصیلات حداقل سیکل بودند، حداقل یک سال سابقه زندگی مشترک داشتند و در بازه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال قرار داشتند) مصاحبه می‌کرد. جهت تعیین حجم نمونه تا رسیدن به اشباع اطلاعاتی در نمونه تا جایی که از افراد بیشتری اطلاعات کسب می‌شود، مصاحبه‌ها تداوم یافت، تا زمانی که افراد جدید

جدول ۱. ویژگی های جمعیت شناختی شرکت کنندگان

مؤلفه	توضیحات
میانگین سن	میانگین سنی (۳۴ سال)، حداقل سن (۱۹ سال)، حداکثر سن (۴۶ سال)
تحصیلات همسر	زیردیپلم (۳ نفر)، دیپلم (ده نفر)، لیسانس (۱۲ نفر)، فوق لیسانس (۳ نفر)، فوق لیسانس (۴ نفر)
تحصیلات آزمودنی ها	زیردیپلم (۴ نفر)، دیپلم (ده نفر)، فوق دیپلم (۱ نفر)، لیسانس (۹ نفر)، فوق لیسانس (۳ نفر)، دکتری (۱ نفر)
وضعیت اشتغال مرد	کارمند (۶ نفر)، بیکار (۴ نفر)، شغل آزاد (۱۲ نفر)، نظامی (۳ نفر)، پزشک (۳ نفر)
وضعیت اشتغال زن	بیکار (۱۶ نفر)، کارمند (۸ نفر)، پزشک (۱ نفر)، شغل آزاد (۴ نفر)
وضعیت تاهل	متاهل (۱۵ نفر)، ازدواج دوم (۲ نفر)، در حال طلاق (۴ نفر)، طلاق (۷ نفر)، بدون فرزند
تعداد فرزند	بدون فرزند (۹ نفر)، یک فرزند (۹ نفر)، دو فرزند (۹ نفر)، ۳ فرزند (۲ نفر)
دفعات خیانت مرد	یک بار (۹ نفر)، دو بار (۱۰ نفر)، سه بار (۵ نفر)، بیش از سه بار (۵ نفر)
مدت ازدواج	دو تا پنج سال (۹ نفر)، پنج تا ده سال (۵ نفر)، ده تا پانزده سال (۶ نفر)، ۱۵ تا بیست سال (۷ نفر)، بیشتر از بیست سال (۲ نفر)



شکل ۱. عوامل زمینه ساز خیانت زناشویی مردان

مضمون اصلی اول: ویژگی های آسیب زای زن

این مضمون به ویژگی هایی در زنان اشاره می کند، که در صورت وجود، رضایت مندی زوجین از زندگی مشترک را به شدت کاهش می دهد و روابط خانواده را در معرض آسیب قرار می دهد. انواع اختلالات روانی مانند افسردگی، اختلال دوقطبی، اضطراب های شدید، اختلالات شخصیت و... از مواردی هستند که مانع برقراری رابطه ای رضایت مند می شوند. زنان با کمبود احساس ارزشمندی و دوست داشتنی بودن، زنان با اعتماد به نفس پایین، وابستگی بیمارگون به دیگری، زنانی که از طرد شدن و خیانت به شدت در هراس هستند و به جای برقراری روابط صمیمانه رفتار کنترل گرانه ای را در ارتباط با مرد در پیش می گیرند. از طریق تحلیل دقیق مصاحبه ها و انجام مراحل کدگذاری باز برای این مقوله ای اصلی، ۶ زیرمضمون به دست آمد که هر یک از آن ها را به همراه تعاریف و کدهای مفهومی که برگرفته از صحبت های مصاحبه شوندگان بود، در اینجا بیان شده است.

زنان درگیر با اختلال روانی (افسردگی، اختلال دوقطبی، اضطراب، وسواس و اختلال های شخصیت): منظور زنانی است که از نظر بالینی دچار اختلال های جدی از جمله افسردگی، اختلال دوقطبی، اضطراب، وسواس و همچنین اختلال های شخصیت می باشند. شرکت کننده

شماره ۵ راجع به وسواس خود چنین می گوید: «شوهرم آدم مذهبی و پایبندی بود ولی من بیشتر انرژی مو واسه تمیزی خونه و ایراد گرفتن به شوهر و بچه هام می گذاشتم. حتی موقع سکس هم به جای لذت بردن از رابطه فکرم درگیری نجس و پاکی بود و دوست داشتم زودتر تمام بشه». شرکت کننده شماره ۷ اختلال دوقطبی خود را این گونه توصیف می کند: «مامانم افسردگی دوقطبی داشت شوهرم به زور منو دکتری می بره که فامیل خودشون و داروهای مامانمو به زور به من میدن، بعضی وقت ها انقدر شاد و پرانرژی که توی یک هفته ۴ بار موهامو رنگ می کنم، انقدر زیبا می شم که همه مردها دلشون می خواد با من رابطه داشته باشند».

احساس عدم ارزشمندی و دوست داشتنی بودن: زنانی که خود را دوست نمی دارند و برای خود ارزش و احترامی قائل نشده و خود را در معرض هرگونه بی احترامی، خشونت و نادیده گرفته شدن از سمت همسرشان قرار می دهند تا جایی که حتی خود را لایق دوست داشته شدن نمی بینند. شرکت کننده شماره ۳ در این باره می گوید: «با اینکه همسر من لحاظ مالی به طور کامل منو در رفاه قرار می داد و وضع مالی خیلی خوبی هم داشت اما من همیشه لباس های کهنه و قدیمی می پوشیدم و حاضر نبودم واسه خودم لباس یا وسیله ای بخرم».

چرا باهاش زندگی می‌کنی جونت رو بردار و برو حتی آگه مهریه تو ببخشی، ببخش و برو».

تعدد روابط با جنس مخالف در دوران مجردی: شرکت کننده شماره ۲۱ بیان می‌کند: «تقریباً ۳ ماه قبل از ازدواج با همسرم آشنا شدم. اون موقع می‌دیدم که در فیس بوک و اینستاگرام دخترهای زیادی براش پیام می‌گذارن و همسرمو می‌شناختن. این موضوع و خیلی جدی نگرفتم و گفتم همه دوران مجرد اینطور هستن و بعد از ازدواج درست می‌شه. ولی الان می‌بینم که هنوز واسه دخترهای زیادی پیام‌های عاشقانه می‌گذاره و می‌گه من منظوری از این کار ندارم».

مردان با اعتماد به نفس پایین و احساس حقارت: مردانی که نسبت به توانمندی‌های خود شک دارند و نسبت به خود احساس حقارت دارند، ممکن است برای جبران احساس حقارت و احساس منفی که نسبت به خود دارند و اثبات توانمندی خود دست به روابط فرازنشویی بزنند. شرکت کننده شماره ۲۵ راجع به این موضوع می‌گوید: «همسرم همیشه احساس می‌کرد از من پایین‌تر هست و از لحاظ اخلاقی و زیبایی و جذابیت اصلاً به پای من نمی‌رسه، من تهرانی بودم و خوش سرو زبان. حتی وقتی خانواده‌اش از من تعریف می‌کردن خیلی بدش می‌اومد. حالا هم فهمیدم رفته به زن از روستاهای کاشان صیغه کرده». هیجان خواهی بالا: میل به هیجان‌ها و تجربیات متنوع، تازه، پیچیده، شدید و تمایل به مخاطره جویی بدنی، اجتماعی، قانونی و مالی بخاطر چنین تجربه‌ای. شرکت کننده شماره ۱۴ در رابطه با هیجان‌طلبی همسرش چنین بیان می‌کند: «شوهرم همیشه به من می‌گه هیچ کس تو رابطه مثل تو نیست. ولی من تنوع و هیجان رو دوست دارم، رفاقت هم دوست ندارم، قیافه‌های زن‌هام برام مهم نیست فقط سکس سکس».

مضمون سوم: اختلال در صمیمیت زوج

یکی از مهمترین عوامل بروز روابط فرازنشویی، عدم مهارت در برقراری صمیمیت بین زوجین می‌باشد. نداشتن مهارت‌هایی از سمت زن و مرد که مانع از برقراری صمیمیت مشترک میان زوج می‌شود. زمانی که زوجین شناخت درستی از نیازها و کمبودهای همسر خود نداشته باشد و یا آگاه بوده اما تلاشی برای ارضاء نیازهای همسر خود نکند صمیمیت به شدت کاهش می‌یابد، عدم توانایی برای گفت‌وگوی سازنده با یکدیگر، دخالت دادن سایر افراد برای حل مشکلات و تصمیم‌گیری راجع به مسائل خانواده، ارضاء نیازهای عاطفی خود با فردی به غیر از همسر، عدم مهارت و یا خودداری از ابراز عشق و دوست داشتن نسبت به همسر، تحقیر و بی‌ارزش کردن یکدیگر، رفتارهای کنترل‌گرانه، تهدید به جدایی و طلاق، مقایسه زن با سایر زنان و توجه بیش از حد به سایر زنان از مواردی است که موجب کاهش یا عدم صمیمیت در بین زوج خواهد شد.

عدم ارضاء یا آگاهی از نیازهای جسمی- روانی همسر: منظور زمانی است که زن یا مرد از نیازها و کمبودهای روانی، عاطفی و جنسی همسرش آگاهی درستی ندارد و یا با وجود آگاهی، تلاشی برای برطرف کردن و ارضاء نیازهای همسرش از خود نشان نمی‌دهد. شرکت کننده شماره ۳ عدم آگاهی از نیازهای همسرش را چنین بیان می‌کند: «همسرم قبل از خیانت همیشه به من می‌گفت "من دوست دارم زنم کمی زنانه و با ناز رفتار کنه، یکم لوس باشه نه این‌که وقتی باهاش

ترس از خیانت: زنانی که به شکل مداوم نشخوار فکری راجع به خیانت همسر دارند و به شدت از موضوع خیانت می‌هراسند. این زنان هر اتفاقی را به منزله‌ی شروع خیانت مرد تلقی می‌کنند. این زنان برای جلوگیری از رخ دادن روابط فرازنشویی به رفتارهایی از جمله کنترل‌گری روی می‌آورند که نارضایتی از زندگی مشترک را افزایش داده و احتمال خیانت را بالا می‌برد. شرکت کننده شماره ۱۷ می‌گوید: «همسرم خیلی مرد آروم و مهربونی بود و واقعاً منو دوست داشت ولی من به‌خاطر این‌که قبل از ازدواجم از سمت دوست پسرهام زیاد خیانت دیده بودم، مدام بهش شک داشتم و کنترل‌اش می‌کردم، اوایل چیزی نمی‌گفت ولی به مرور رابطه‌ی ما سردتر شد و ۳ سال قبل فهمیدم با یه زن رابطه داره. خودش به مشاور گفته بود از شک‌ها و کنترل‌گری زنم خسته شدم و می‌خوام راحت باشم».

بی‌بندوباری اخلاقی در بین زنان: شرکت کننده شماره ۱۹ راجع به ارتباط زن متأهل با مرد توضیح می‌دهد: «سرزده رفتم خونه‌ام و دیدم شوهرم با زن ۴۰ ساله که فامیل و همکارش هم هست و خودش ۲ تا بچه داره تو خونه بودن و باهاش رابطه جنسی داشت». شرکت کننده شماره ۴ درباره بی‌بندوباری زنان متأهل می‌گوید: «شوهرم هم‌زمان با ۵ تا زن شوهردار رابطه داره. تو چت‌هاشون فهمیدم یکی از آنها که بچه هم داره به مغازه‌اش رفت و آمد داره. بین‌شون کلی حرفهای زشت و فیلم‌های سکسی ردوبدل شده بود، باورم نمی‌شد که یه زن شوهردار همچین فیلم‌هایی برای یه مرد بفرست».

مضمون اصلی دوم: ویژگی‌های آسیب‌زای مرد

مقوله‌ی دوم ویژگی‌های رفتاری در مردان را مورد بررسی قرار می‌دهد که این ویژگی‌های آسیب‌زا می‌تواند زنگ خطری برای برقراری روابط فرازنشویی در آینده باشد. در طی این پژوهش مشخص شد مردانی که تشخیص برخی اختلالات روانی را می‌گیرند بیشتر از سایر افراد مستعد روابط فرازنشویی می‌باشند. تعدد روابط با جنس مخالف در دوران مجردی یکی از عاداتی است که می‌تواند تا بعد از ازدواج نیز ادامه پیدا کند. در این میان کمبود احساس مسئولیت مرد در برابر اعضای خانواده و اعتماد به نفس پایین نیز از دیگر ویژگی‌های هشدار دهنده به حساب می‌آید. بی‌بندوباری اخلاقی، اعتیاد به فیلم‌های پورن، تکانش‌گری جنسی و پرخاشگری، هیجان‌خواهی و تنوع‌طلبی و نیز شکاک بودن مرد از دیگر عواملی است که پیش‌بین مناسبی برای افزایش احتمال خیانت در زندگی زنانشویی را به دست می‌داد.

مردان با تشخیص اختلال روانی (افسردگی/دوقطبی/نمایشی/مرزی/ضد اجتماعی/منفعل-پرخاشگر، تکانش‌گری جنسی): اختلالاتی که احتمال رخ دادن روابط فرازنشویی در آنها بالا است شامل افراد با اختلال دوقطبی، اختلال شخصیت نمایشی، مرزی، ضد اجتماعی و منفعل است. یکی از شرکت کنندگان راجع به اختلال شخصیت ضداجتماعی شوهرش چنین می‌گوید: «دکتر مشاوره گفت: رکو پوست کنده بهت بگم این آدم شخصیت ضداجتماعی داره. یه بارهم انقدر کتکات می‌زنه تا می‌کشت، بعد هم رهاش می‌کنه و میره. خونه‌ات هم که گوشه‌ی بیابان هست، بعد که پدر و مادرت بفهمند، می‌گه: نمیدونم من سرکار بودم معلوم نیست با کدوم مرد بوده بهش تجاوز کرده، بعد هم کشته‌اش و رفته. دکتر مشاور گفت این آدم مریض روانی هست و اصلاً تعادل نداره

ازدواج با زن یا مرد مجرد فرزندان: ازدواج با مرد یا زنی که طلاق گرفته ولی صاحب فرزندی می‌باشد که خود سرپرستی آن را به عهده گرفته است، از مواردی می‌باشد که خطر نارضایتی بسیار بالایی در زندگی مشترک را از خود نشان می‌دهد. شرکت کننده شماره ۱۷ راجع به ازدواج خود با مردی که صاحب یک فرزند دختر است، چنین می‌گوید: «دخترش واسم حکم هوو رو داره، از بچش متنفرم و گاهی دلم می‌خواد آتیشش بزنم. وجود بچه‌اش باعث شد ما هیچ‌وقت نتونیم باهم صمیمی بشیم و این عامل مشکلات ما بود».

ازدواج بدون شناخت اولیه‌ی نسبی از یکدیگر: ازدواج به عنوان مهم‌ترین و اثر گذارترین اتفاق زندگی هر فرد نیاز به تفاهم، درک و دوست داشتن دو طرف دارد. آشنایی اولیه زن و مرد با هدف شناخت سلیقه، نیازها و گفت‌وگو راجع به اهداف اولیه زندگی برای رسیدن به درکی دو جانبه و اطمینان بالایی برای انتخاب یکدیگر ضروری به نظر می‌رسد. شرکت کننده شماره ۱۲ در این مورد بیان می‌کند: «چون خانواده ما بسیار مذهبی بودند و مقید شدید به محرم و نامحرم بودیم، بنابراین من هیچ‌وقت با هیچ نامحرمی حرف نزده بودم. وقتی اومدند خواستگاری اصلاً روم نمی‌شد باهاش حرف بزنم، من اصلاً حرف نزد و از خجالت تمام مدت سرم پایین بود. آن‌ها جلسه اول منو پسندیدند من هم اصلاً هیچ فکری نکردم و بدون هیچ شناختی غروب همون روز جواب مثبت دادم». نسترن در این مورد توضیح می‌دهد: «خانواده‌ها هم‌دیگر رو پسندیدن و ازدواج ما به شکل خیلی سنتی انجام شد، طوری که من فقط در روز خواستگاری نیم ساعتی با همسرم حرف زدم و بعد تاریخ عقد و عروسی گذاشته شد. ما هیچ شناختی از هم نداشتیم و با هم خیلی متفاوت بودیم».

عدم تناسب تحصیلی، مذهبی، فرهنگی و مالی زوج و خانواده‌ها: منظور اختلاف زیاد بین سطح تحصیلی زن و مرد، سبک تفکری و مذهبی زوج و خانواده‌ها و اختلاف طبقاتی از نظر مالی می‌باشد که موجب شکل‌گیری احساس برتری در یکی از زوجین و احساس حقارت در فرد دیگر می‌شود. شرکت کننده شماره ۸ راجع به عدم تناسب در میزان تحصیلات خود و همسرش می‌گوید: «همسرم پزشک بود و من تازه دیپلم گرفته بودم. بعد از ازدواج مدام من رو با همسرهای همکارهاش مقایسه می‌کرد که با خانواده‌های متمول یا پزشک یا... ازدواج کرده‌بودند و احساس ندامت و پشیمانی از ازدواج با من می‌کرد. می‌گفت تو باعث سرشکستگی من هستی من نمی‌خوام همسرم کارمند باشه و مدام تحقیرم می‌کرد که من اصلاً به حقوق تو نیاز ندارم».

مضمون پنجم: اختلال در خانواده های زوجین

زنانی و مردانی که که در دوران مجردی زندگی ایمنی را در خانواده‌های خود تجربه نکرده‌اند بیش از سایر افراد در معرض روابط فرازنشویی قرار می‌گیرند. آسیب‌هایی از سمت خانواده که می‌تواند زندگی زن را تحت تأثیر قرار دهد عبارتند از: مرگ یکی از سرپرستان یا هر دو، طلاق والدین، محرومیت از سرپرستی مناسب، رابطه نایمن والدین و فرزندان، بیماری روانی والدین، بی اخلاقی و بی‌بندوباری والدین، اعتیاد والدین، رابطه‌ی سرد و بدون صمیمیت والدین با یکدیگر، عدم حمایت‌گری و هدایت‌گری والدین. شرکت کننده شماره ۹ درباره عدم هدایت‌گری خانواده‌اش چنین می‌گوید: «هیچ‌وقت خانواده درست و حسابی نداشتم

حرف می‌زنم فکر کنم به مرد جلوم واستاده، حتی گاهی می‌گفت تو اصلاً مهربون نیستی من به زن مهربون می‌خوام».

دخالت دادن دیگری برای حل مشکلات و تصمیم‌گیری: زمانی که زن و مرد به‌جای گفت‌وگو و حل تعارض با یکدیگر به خانواده خود یا سایر افراد متکی می‌شود و سایرین را برای حل مشکل زناشویی خود به حریم خانه‌اش راه می‌دهد. شرکت کننده شماره ۱۲ در این‌باره چنین می‌گوید: «بعضی وقت‌ها برای حل مشکلات زندگی‌مون خانواده‌اش مثلاً پدر و مادرش و خواهرش نشست می‌داشتند. اول خوبی‌های من و خانواده‌ام رو می‌گفتند بعد هم شروع می‌کردن بدگویی از خانواده‌ام و همه چی خراب می‌شد. بنابراین بحث و نشست‌های خانواده‌اش هم هیچ فایده‌ای برای بهبود زندگی ما نداشت».

عدم ابراز عشق و علاقه نسبت به همسر: برخی از زوج‌ها علی‌رغم دوست داشتن همسر، به دلایلی مانند خجالت، غرور یا ترس و... حاضر به بیان احساس دوست داشتن به همسر از جنبه کلامی و فیزیکی نیستند. شرکت کننده شماره ۱۶ درباره ترس از ابراز علاقه به همسرش چنین می‌گوید: «همیشه فکر می‌کردم مرد رو باید ببري تا لب چشمه و تشنه برگردونیش. فقط با این شرایط که همیشه بهت وفادار می‌مونه، شوهرم خیلی محبت می‌کرد ولی وقتی در عوض محبتش رفتار سرد منو می‌دید دیگه اونم بی‌خیال شد».

تحقیر و بی‌ارزش کردن یکدیگر: تحقیرکردن و بی‌ارزش شمردن شخصیت و سایر ویژگی‌های یکدیگر و له کردن غرور دیگری چه در خلوت دو نفر، چه در مقابل سایر افراد از جمله فرزندان و دوستان و... از مواردی است که به شدت صمیمت مشترک را زیر سؤال خواهد برد. شرکت کننده شماره ۱۹ راجع به تحقیر شدن توسط همسرش چنین می‌گوید: «همسرم همیشه به من می‌گفت تو در سطح من نیستی، من به پزشک هستم و باید با یکی در سطح خودم ازدواج می‌کردم ولی تو تحصیلات خیلی از من کمتر». شرکت کننده شماره ۱۴ راجع به تحقیرکردن همسرش چنین می‌گوید: «از وقتی قرداد خونه کرایه‌ای به نام من شد، هر بار که دعوا من میشه همسر من از خونه بیرون می‌کنم. از وقتی هم ور شکسته شده چندین بار جلو خانواده‌ام بهش گفتم نه پول داری، نه اخلاق نه قیافه، تو رو واسه چی نگه دارم».

مضمون چهارم: ازدواج با احتمال شکست زیاد

در این مضمون گزینه‌هایی مورد بررسی قرار داده شده است که احتمال خطر شکست و نارضایتی طرفین از زندگی زناشویی در آنها بسیار بالاست، و این نارضایتی به خودی‌خود زمینه ساز بروز روابط فرازنشویی خواهد بود. ازدواج در سنین پایین، ازدواج به اجبار خانواده، ازدواج در صورت نارضایتی خانواده، ازدواج با مرد متاهل، ازدواج با مرد مجرد بچه دار، عدم شناخت اولیه و نسبی زوج نسبت به یکدیگر و نیز عدم آشنایی و آگاهی از پیشینه خانوادگی طرفین از مواردی است که زمینه ساز نارضایتی در زندگی زناشویی می‌باشد. گاهی زن و مرد با اهدافی نامعقول از جمله فداکاری برای سایر اعضای خانه، ازدواج با هدف فرار و رهایی از شرایط منفی در خانه پدری و یا حتی ازدواج به دلیل ثروت خانواده همسر، تن به ازدواج می‌دهند. عدم تناسب تحصیلات و فرهنگ و مذهب دو نفر نیز احتمال عدم موفقیت در زندگی زناشویی را به دنبال دارد.

کاهش یا عدم برقراری رابطه‌ی رضایت‌بخش و صمیمانه در میان زوجین می‌شود و زوج نمی‌توانند سطح رضایت‌مندی مناسبی را در زندگی مشترک تجربه کنند.

ابتلا‌ی زن به یک‌سری اختلالات روانی از جمله مسائلی است که توانمندی زن را برای مدیریت زندگی مشترک و برقراری رابطه‌ای سالم در هم می‌شکند. زنانی که دچار احساس عدم ارزشمندی و دوست داشتنی بودن هستند و از اعتماد به نفس پایینی برخوردارند در روابط با همسران‌شان به شکلی برخورد می‌کنند که او نیز متقابلاً چنین احساسی را در زن تقویت می‌کند. زنانی که خود را دوست نمی‌دارند و برای خود ارزش و احترامی قائل نشده و خود را در معرض هرگونه بی‌احترامی، خشونت و نادیده گرفته شدن از سمت همسرشان قرار می‌دهند تا جایی‌که حتی خود را لایق دوست داشته شدن نمی‌بینند. همسران‌شان نیز به تبع چنین رفتاری با آنها در پیش خواهند گرفت. هم‌چنین اعتماد به نفس پایین منجر به این می‌شود که فرد به توان و توانمندی‌های خود اعتماد و باور نداشته باشد تا حدی که نه‌تنها قادر به برطرف کردن نیازهای خود نیست بلکه از بیان نیازهای خود نیز پرهیز می‌کند. در نتیجه عدم بیان نیازهای شخصی از سمت زن باعث نارضایتی او از زندگی شده و نخواهد توانست از تمام محبت و انرژی خود برای ارضاء نیازهای همسر و برقراری رابطه‌ای لذت‌بخش استفاده کند و بدین جهت مرد برای جبران کمبود موجود در زندگی مشترک به سمت خیانت می‌رود.

وابستگی بیمارگون زن به همسر به حدی که با نبودن مرد فکر می‌کند قادر به ادامه زندگی نخواهد بود یکی از عواملی است که باعث می‌شود زن تلاش کند به هر قیمتی رابطه‌اش را با مرد حفظ کند. در نتیجه قادر به ترک شرایط نامطلوبی که همسرش برای او به‌وجود آورده، نمی‌باشد و در اکثر موارد مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد یا از دیگران سوءاستفاده می‌کند. سوء استفاده کردن از رابطه با مرد یا باج دادن به مرد برای حفظ رابطه باعث می‌شود زن رابطه‌ای همگام و هماهنگ و رضایت‌بخش را در زندگی مشترک شکل ندهد. در چنین شرایطی مردان از طرفی می‌دانند که در صورت برقراری روابط فرازنشویی همسر آنها قادر به ترک زندگی مشترک نخواهد بود و از سمتی وابستگی پاتولوژیکی که زن با همسرش شکل داده، میزان رضایت مرد را کاهش داده و این دو عامل در کنار یکدیگر می‌تواند موجب روابط فرازنشویی شود. ترس از خیانت مشکلی است که در واقع زنانی که به شکل مداوم نشخوار فکری راجع به خیانت همسر دارند و به شدت از موضوع خیانت می‌هراسند را در بر می‌گیرد. این زنان هر اتفاقی از جمله دیر آمدن مرد به منزل، کاهش ناگهانی رابطه‌ی عاطفی مرد و... را به منزله‌ی شروع خیانت مرد تلقی می‌کنند. این زنان برای جلوگیری از رخ دادن روابط فرازنشویی به رفتارهایی از جمله کنترل‌گری روی می‌آورند که نارضایتی از زندگی مشترک را افزایش داده و احتمال خیانت را بالا می‌برد.

دومین عاملی که موجب بروز خیانت می‌شود مربوط به ویژگی‌های آسیب‌زای مردان می‌باشد. یکی از مواردی که وجود آن موجب بروز خیانت از سمت مرد می‌شود ابتلا به برخی اختلالات روانی می‌باشد. مردانی که درگیر با اختلالات روان‌پزشکی یا ویژگی‌هایی از طیف اختلال شخصیت هستند و بیماری آنها از نظر بالینی و توسط متخصص اثبات شده باشد. اختلالاتی که احتمال رخ دادن روابط فرازنشویی در

که به من بگه چی درست و چی غلط. هردو تاشون معتاد بودن و ما چیزی از زندگی نفهمیدیم. کسی رو نداشتم که ازش بخوام رفتار درست با شوهرم یاد بگیرم یا مرد درستی تو زندگی ندیدیم که واسه انتخاب همسر بخوام اونو الگو قرار بدم». شرکت کننده شماره ۵ درباره عدم حمایت‌گری خانواده‌اش چنین می‌گوید: «اوایل ازدواج با شوهرم در دودل می‌کردم و از رفتارهای خانواده‌ام واسش می‌گفتم. ولی الان فهمیدم که خیلی اشتباه بود. از همه حرفا و بی‌کسی من سوء استفاده کرد. فهمید هر کاری بکنه من جایی رو ندارم که برم، کسی رو ندارم، سرپناهی ندارم. کسی رو ندارم گله شوهرمو پیشش بکنم. خونه اول و آخرم همین جا است و اون هم هر بلایی دلش خواست سر من آورد».

بحث

با توجه به نتایج به‌دست آمده از این پژوهش می‌توان این‌گونه اظهار داشت که ۵ عامل اصلی در شکل‌گیری روابط فرازنشویی مردان از دید زنان اثرگذار است که عبارتند از: «ویژگی‌های آسیب‌زای زن»، «ویژگی‌های آسیب‌زای مرد» و «کمبود مهارت و توانایی زوج در برقراری روابط صمیمانه و رضایت‌بخش»، «ازدواج آسیب‌زا» و «اختلالات خانوادگی زوجین». این یافته‌ها با نتایج پژوهش فتحی و همکاران [۱۲] و فیروز جانیان و قدیری [۱۳] همخوان و همسو می‌باشد. برخی عوامل زمینه ساز روابط فرازنشویی از نظر فتحی و همکاران [۱۲] عبارتند از مشکلات جنسی و عاطفی در روابط زنشویی، تنوع طلبی و هیجان خواهی، اثبات مردانگی و احساس جوانی، بی‌ضرر دانستن روابط خارج از ازدواج برای روابط زنشویی، تجارب رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج، اعتماد به نفس کم، داشتن شغلی که امکان تعامل و ارتباط بیشتر با جنس مخالف را فراهم می‌کند، سوء استفاده از امکان تعدد زوجات و ازدواج موقت برای مردان، نگرش‌های سهلگیرانه و مجاز جامعه درباره خیانت مردان، تأثیر دوستان و ماهواره و فیلم‌های پورنو و نقش تسهیلگری اینترنت و تلفن همراه در ایجاد فرصت تعامل با جنس مخالف. یافته‌های فیروز جانیان و قدیری [۱۳] نشان داد که ده مضمون اصلی فردگرایی، ضعف دینداری و اخلاقی، عدم رفع نیازهای جنسی، عدم رفع نیازهای عاطفی و روانی، خشونت فیزیکی و کلامی شوهر، ضعف نظارت بر زندگی و زندگی صادقانه، تأثیرپذیری از دوستان، فقر و مشکلات اقتصادی، اعتیاد، رسانه‌ها و شیوع فرهنگ فساد در جامعه، از دلایل اصلی مصاحبه‌شوندگان برای ورود همسرانشان به روابط فرازنشویی بوده است.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر اولین عاملی که باعث بروز روابط فرازنشویی می‌شود، مشکلاتی است که از سمت زنان پدیدار می‌شود. این مشکلات در واقع باعث می‌شود علی‌رغم تلاش مرد برای برقراری رابطه‌ای صمیمانه و سالم، زن نتواند رابطه‌ای شاد و رضایت‌مند را با همسرش شکل دهد. همین عدم رضایت‌مندی باعث می‌شود که مرد رو به‌سوی رفتارهای مبتنی بر خیانت بیاورد. ویژگی‌های آسیب‌زای مربوط به زنان مانند ابتلا به اختلال روانی و برخی اختلالات شخصیت مانند (افسردگی / افسردگی دوقطبی / اختلالات شخصیت نمایشی / مرزی / ضداجتماعی / منفعل پرخاشگر)، احساس عدم ارزشمندی و دوست‌داشتنی بودن، کمبود اعتماد به نفس، عدم استقلال مالی، ترس غیرواقعی از خیانت همسر و رفتارهای کنترل‌گرانه در زنان موجب

خود بالا رفته به شکلی که او را با هنرپیشه‌های این فیلم‌ها مقایسه کند و از سویی دیگر زن تمایل خود را برای ارتباط با مرد از دست داده و نارضایتی جنسی پدیدار می‌شود. شکل‌گیری نارضایتی جنسی از مهمترین عوامل زیربنایی است که موجب به وجود آمدن پدیده‌ی خیانت می‌شود. میل به هیجان‌خواهی و تجربیات متنوع، تازه، پیچیده، شدید و تمایل به مخاطره جویی بدنی، اجتماعی، قانونی و مالی بخاطر تجربه‌ی هیجان بیشتر در مردان باعث می‌شود، به سمت برقراری روابط با سایر زنان بروند. هیجان‌خواهی وقتی در بستر خانواده و با زن ارضاء نشود منجر به این می‌شود که روابط فرازنشویی از سمت مرد شکل گیرد. این که سطح بالای هیجان‌خواهی در مردان احتمال خیانت را افزایش می‌دهد با یافته پلت که بیان می‌کند ویژگی‌های شخصیتی افراد هم می‌تواند در این میان نقش داشته باشد، مثلاً افرادی با سطح برون‌گرایی بیشتر و روحیه هیجان‌پذیری بالا، آمادگی بیشتری برای داشتن چنین روابطی دارند هم‌خوانی دارد [۱۰].

از دیگر دلایلی که پایه و اساس خیانت را شکل می‌دهد، به وجود آمدن اختلال در صمیمیت بین زوجین می‌باشد. زنان که از شخصیت‌های آسیب دیده و آسیب‌پذیر برخوردار هستند موقعیت خانواده را به سمتی پیش می‌برند که نه تنها میزان صمیمیت بین زوج کاهش یافته یا از بین رود، بلکه سنگ‌بنای نارضایتی‌های عمیقی را در روابط مشترک ایجاد می‌کنند که همین نارضایتی دلایلی بسیار مستحکم برای خیانت مرد را فراهم می‌کند. از دیگر سو وجود برخی اختلال‌ها و آسیب‌های شخصیتی در مردان تا حدی است که هر چقدر زن برای ایجاد رضایت و صمیمیت مشترک تلاش کند، مرد به علت خلاء و مشکلات شخصیتی خود قادر به پایبندی به زندگی مشترک نمی‌باشد و در نتیجه زن را با تجربه‌ای از خیانت روبه‌رو خواهد ساخت.

افرادی که تصمیم به ازدواج می‌گیرند در حالی که نه در خانواده، نه در محیط آموزش مدرسه‌ای و دانشگاهی و نه به شکل تجربی نسبت به نیازهای روانی و جسمانی جنس مخالف آگاهی لازم را نداشته و مهارتی برای برقراری رابطه‌ای شاد و صمیمانه با همسر را کسب نکرده‌اند. به شکل طبیعی وقتی این زوج در بافت زندگی مشترک قرار می‌گیرند و با فردی روبه‌رو می‌شوند که جنس نیازهایش با آنها متفاوت است یا به درماندگی می‌رسند و یا دچار تنش می‌شوند. عدم مهارت‌های لازم برای برقراری صمیمیت که عدم آگاهی از نیازهای جسمی و روانی جنس مخالف است چه از سمت زن و چه از طرف مرد، باعث عدم شکل‌گیری روابط صمیمانه‌ای می‌شود که زیربنای عدم رضایت زنشویی را فراهم می‌کند. اگر یکی از زوجین نسبت به مهارت‌هایی که منجر به صمیمیت می‌شوند آگاهی داشته باشد به احتمال بیشتری قادر به انتقال و یاد دادن این مهارت‌ها به همسر خود نیز خواهد شد. اما در صورتی که هر دو زوج چنین توانایی را نداشته باشند در آن صورت به احتمال بسیار زیادی صمیمیت سالمی بین زوج شکل نخواهد گرفت. یکی دیگر از مواردی که موجب تخریب یا عدم شکل‌گیری بین زوج می‌شود عدم توانایی برای گفت‌وگو و گویی سازنده و سالم در حین بروز اختلافات و تعارضات زنشویی است. زوجی که در حین بروز تعارضات مسائل خود را به جای گفت‌وگو و گویی سازنده از راه فریاد، بی‌احترامی به یکدیگر، ایجاد تنش، زورگویی و تحقیر طرف مقابل می‌خواهند حل کنند و یا در شرایطی بدتر تعارضات خود را نه تنها به زبان نمی‌آورند بلکه در خود سرکوب می‌کنند، به هیچ عنوان نمی‌توان انتظار داشت که رابطه‌ای

آنها بالا است شامل افراد با اختلال دوقطبی، اختلال شخصیت نمایشی، مرزی، ضد اجتماعی و شخصیت منفعل_ پرخاشگر و همچنین رفتارهای تکانشی جنسی_ پرخاشگری است. وجود چنین آسیب‌هایی در مردان احتمال خیانت را تا حد بسیار زیادی افزایش می‌دهد از سویی در برخی از این افراد عدم ثبات روانی باعث رخ دادن خیانت شده و در برخی دیگر بیماری آنها باعث دور شدن و عدم ایجاد صمیمیت در بین زوج می‌شود. افرادی که رفتارهای تکانشی جنسی دارند علی‌رغم برقراری روابط فرازنشویی به شکل تکانشی، دچار احساس پشیمانی می‌شوند این در حالی است که قادر به ترک این رفتار نمی‌باشند.

ویژگی آسیب‌زای دیگری که مردان را مستعد بروز خیانت می‌کند روابط جنسی و عاطفی متعددی است که در دوران مجردی با جنس مخالف تجربه کرده‌اند. به عبارتی می‌توان گفت مردانی که در دوران مجردی محدودیت و تعهد اخلاقی برای خود در نظر نمی‌گیرند و خود را ملزم به پایبندی و وفاداری با یک نفر نمی‌کنند به احتمال بسیار زیاد پس از ازدواج نیز قادر به ترک چنین رفتارهایی نیستند. نتایج در مورد سابقه دوستی و رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج با یافته‌های توسنارد [۱۴] همخوان است. وی به این نتیجه رسید که افرادی که قبل از ازدواج اولین رابطه جنسی‌شان با شرکای رضایت بخش بوده است، گرایش بیشتری به داشتن روابط خارج از ازدواج در مراحل بعدی زندگی داشتند. فرض بر این است که شخص دارای روابط متعدد جنسی قبل از ازدواج بیشتر دید مثبت نسبت به مسائل جنسی دارد و ممکن است احساس کند که داشتن شرکای متعدد جنسی نسبت به یک شریک رضایت بیشتری ایجاد می‌کند.

مردانی که دچار احساس حقارت می‌باشند و در واقع نسبت به توانمندی‌ها و ارزشمندی خود شک دارند، در بسیاری از موارد برای جبران احساس حقارت و احساس منفی که نسبت به خود دارند و اثبات توانمندی خود دست به روابط فرازنشویی می‌زنند. در واقع برای چنین مردانی شروع هر رابطه‌ی جدید با افزایش اعتماد به نفس و احساس ارزشمندی همراه است. چنین مردانی معمولاً به دنبال رابطه با زنانی می‌روند که نسبت به آنها در سطح پایین‌تر اجتماعی قرار دارند. این مردان با برقراری رابطه با چنین زنی خود را بالاتر از او می‌بینند و اعتماد به نفس پایین و احساس حقارت خود را با برقراری رابطه با چنین زنانی جبران می‌کنند. اغلب افراد مورد مطالعه اعتماد به نفس پایینی داشتند. این یافته با نتایج مطالعه توسنارد [۱۴] که در آن یکی از انگیزه‌های درونی برای بی وفایی، تقویت اعتماد به نفس به بیان شد همخوان می‌باشد. بر اساس نتایج بررسی او زمانی که فرد از مسائل اعتماد به نفس و فقدان آن رنج می‌برد، جذابیت‌های روابط خارج از ازدواج افزایش و موانع بازدارنده و تنفر از آن کاهش پیدا می‌کند. در واقع فرد از طریق روابط خارج از ازدواج به دنبال افزایش اعتماد به نفس است.

اعتیاد به فیلم‌های پورن از ویژگی‌های آسیب‌زای دیگری است که می‌تواند عاملی برای بروز روابط فرازنشویی شود. افرادی که نسبت به تماشاگر متعده فیلم‌های جنسی اعتیاد دارند به شکل مداوم و اجباری مشغول به نگاه کردن تصاویر جنسی می‌شوند که برای فرد هیجان انگیز است و این کار را به صورت یک رفتار اجباری جنسی انجام داده و به راحتی قادر به ترک این کار نیست. اعتیاد به فیلم‌های پورن باعث می‌شود از سویی توقع مرد برای نحوه‌ی برقراری روابط جنسی با همسر

ازدواج از طریق آموزش‌ها، تربیت و سبک‌های فرزندپروری، و بعد از ازدواج بود. ازدواج به اجبار خانواده، ازدواج در صورت نارضایتی خانواده، عدم شناخت اولیه و نسبی زوج نسبت به یکدیگر و نیز عدم آشنایی و آگاهی از پیشینه خانوادگی طرفین از مواردی است که زمینه ساز نارضایتی در زندگی زناشویی می‌باشد. گاهی زن و مرد با اهدافی نامعقول از جمله فداکاری برای سایر اعضای خانه، ازدواج با هدف فرار و رهایی از شرایط منفی در خانه پدری و یا حتی ازدواج به دلیل ثروت خانواده همسر، تن به ازدواج می‌دهند. عدم تناسب تحصیلات و فرهنگ و مذهب زوج و خانواده آنها نیز احتمال عدم موفقیت در زندگی زناشویی را به دنبال داشت که در نهایت منجر به کاهش رضایت‌مندی زندگی مشترک می‌شد.

بر طبق یافته‌های این پژوهش برخی عوامل زمینه‌ای بروز خیانت را فراهم می‌کنند. یکی از عوامل زمینه ساز بستر خیانت آسیب فرد در کودکی و در درون خانواده‌ای آسیب زنده است. رشد و تربیت زن و مرد در خانواده‌ای که میزان آسیب‌های اخلاقی یا عاطفی در یک یا هر دو والد نسبتاً بالا باشد، و یا اگر فرد ترومای شدیدی را در خانواده تجربه کرده باشد، نسبت به افرادی که در چنین شرایطی قرار نداشته‌اند احتمال بروز خیانت افزایش می‌یابد. به عنوان مثال زن یا مردی که در سنین پایین از سرپرستی مناسبی برخوردار نبوده‌اند و یا از داشتن حمایت‌گری و هدایت‌گری خانواده خود محروم بوده‌اند. همچنین اعتیاد، اختلال روانی و بی بند وباری والدین مانند خیانت یکی از والدین، مورد سوء استفاده قرارگرفتن جنسی فرد و خشونت... از دیگر مواردی است که می‌تواند زمینه ساز خیانت فرد در طی بزرگسالی شود. با نگاهی به گذشته‌ی کسانی که درگیر چنین روابطی شده‌اند می‌توان شاهد بود که بیشتر این افراد در میان خانواده‌هایی بزرگ شدند که در میان آنها خشونت خانوادگی پر رنگ بوده است [۹].

نتیجه گیری

به طور خلاصه نتایج پژوهش نشان داد که ۵ مضمون اصلی ویژگی‌های آسیب زای زن، ویژگی‌های آسیب زای مرد، اختلال در صمیمیت زوجین، ازدواج با احتمال شکست و خانواده آسیب زا از علل زمینه ساز روابط فرازناشویی مردان می‌باشند. مضامین کشف‌شده با روش پدیدارشناسی بر اساس تجربه زیسته اطلاعات جدیدی در خصوص سبب‌شناسی روابط فرازناشویی مردان به دست آورد که بر لزوم تبیین عمیق تجارب زیسته این افراد توسط روان‌شناسان و متخصصان و ایجاد روش‌های پیشگیری مؤثر مبتنی بر مضامین برآمده از مطالعه حاضر تأکید دارد. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که متخصصان، مشاوران و روان‌شناسان حوزه خانواده در امر مشاوره ازدواج و زوج درمانی و روابط فرازناشویی توجه ویژه‌ای به مؤلفه‌های به دست آمده از پژوهش حاضر داشته باشند.

ملاحظات اخلاقی

این مقاله برگرفته از پایان نامه دوره دکتری نویسنده اول با کد اخلاق ۱۳۹۸.۱۶۰ از دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد.

صمیمی و مبتنی بر احترام را بنا نهند. در چنین شرایطی برخی از زوجین دوستان و سایر اعضای خانواده خود و یا همسرشان را برای حل مشکلات و حتی تصمیم‌گیری‌های زندگی شخصی خود دخالت می‌دهند.

تحقیر و بی‌ارزش شمردن یکدیگر، مقایسه همسر با فردی دیگر و بزرگ جلوه دادن آن و همچنین ابراز علاقه و توجه به جنس مخالف احساس دوست‌داشتنی نبودن و احساس ارزشمند نبودن در زندگی مشترک را به طرف مقابل القاء می‌کند. زمانی که زن و مرد احساس ارزشمند بودن را که لازمه‌ی خرسندی و شادمانی در زندگی زناشویی است از همسر خود دریافت نمی‌کنند و از سویی دیگر قادر به بیان اعتراض و ناراحتی خود به شکلی سازنده با فرد مقابل نیستند، برای جبران خلاء به‌وجودآمده به جای رفع مشکل اساسی با همسر خود، به سمت برقراری رابطه عاطفی با فردی دیگر می‌روند. برقراری رابطه‌ی عاطفی با فردی به غیر از همسر می‌تواند در شرایطی که زوج رابطه‌ای صمیمی با یکدیگر دارند نیز رخ دهد. به عبارت دیگر زن یا مرد به دلیل وجود خلاء عاطفی با همسر خود، باورهای روشنفکرانه و آزاد اندیشانه که برقراری چنین روابطی را خیانت محسوب نمی‌کنند و یا وابستگی‌های بیمارگون به سمت ارضاء نیازهای عاطفی خود با فرد دیگری می‌یکی از مواردی است که موجب عدم شکل‌گیری روابط صمیمانه در زندگی مشترک می‌روند. این افراد می‌توانند مادر، دوست، همکار و یا فردی از جنس مخالف باشد که زن یا مرد راجع به مسائل خود با آنها گفت‌وگو کرده و صمیمیتی بین آنها شکل می‌گیرد. ایجاد چنین روابطی و آگاهی همسر از چنین مسئله‌ای موجب تخریب و یا عدم شکل‌گیری صمیمیت بین زوج خواهد شد. براوو و لامپیکن [۱۵] در مدلی که برای بررسی خیانت زناشویی ارائه دادند، نیازهای برآورده نشده، نقص در پاسخ‌های همدلانه و خستگی را به عنوان برخی از علل اصلی گرایش به خیانت زناشویی ذکر کردند.

آخرین موردی که موجب اختلال در صمیمیت بین زوج می‌شود، تهدید یکدیگر به طلاق و جدایی است. زن و مردی که نمی‌توانند پایگاه ایمنی را برای ثبات زندگی مشترک در ذهن فرد مقابل به وجود بیاورند در واقع تیشه به ریشه‌ی اعتماد طرف مقابل زده‌اند در چنین شرایطی زن و مرد هرگز نخواهد توانست رابطه‌ای صمیمانه با فردی که از ماندن او مطمئن نیست برقرار کند. یافته‌ها را می‌توان با استناد نظریه کمبود، برابری، سرمایه گذاری و مدهای تحقق نیازها تبیین کرد. بر اساس نظریه‌ها و مدل‌های مذکور انگیزه برای بی وفایی زناشویی، به علت نقص و مشکلات در ازدواج است و این رابطه به احتمال زیاد برای جبران بخشی از ازدواج است که به درستی کار نمی‌کند. به عبارت دیگر چنانچه تحقق نیازها در روابط زناشویی مقدور نباشد این امکان وجود دارد شریکی که نیازش تحقق نیافته استریال به احتمال زیاد خود را مجاز بداند که نیاز خود را با فرد دیگری در قالب روابط خارج از ازدواج تحقق بخشد [۸].

یکی دیگر یافته‌هایی که در عدم رضایت زناشویی زوجین بسیار اثرگذار بود ولی در یافته‌های خارج از بافت فرهنگی ایران نتیجه مشابه و تأیید کننده‌ای را به‌دست نیاورد، مسئله‌ی تأثیر خانواده‌ها در زندگی مشترک زوجین چه هنگام ازدواج با تأثیر در فرایند انتخاب همسر و چه قبل از

References

1. Castro-Bofill DE, Francine Rose A. Living within a broken vow: The impact of parental infidelity among late adolescents in establishing romantic relationships. *Universal J Psychol.* 2016;4(5):228-35. [doi: 10.13189/ujp.2016.040503](#)
2. Munsch CL. Correction: "Her support, his support: Money, masculinity, and marital infidelity. *American Sociologic Rev.* 2018;80(3):469-95. [doi: 10.1177/0003122415579989](#)
3. Harris C. Characteristics of emotional and physical marital infidelity that predict divorce. A Ph.D. dissertation in family psychology, Alliant International University. 2018.
4. Kato T. Testing the sexual imagination hypothesis for gender differences in response to infidelity. *BMC Res Notes.* 2014;7:860. [doi: 10.1186/1756-0500-7-860](#) [pmid: 25432800](#)
5. Petersen JL, Hyde JS. A meta-analytic review of research on gender differences in sexuality, 1993-2007. *Psychol Bull.* 2010;136(1):21-38. [doi: 10.1037/a0017504](#) [pmid: 20063924](#)
6. Munsch CL, Willer R. The role of gender identity threat in perceptions of date rape and sexual coercion. *Violence Against Women.* 2012;18(10):1125-46. [doi: 10.1177/1077801212465151](#) [pmid: 23136179](#)
7. Brase GL, Adair L, Monk K. Explaining sex differences in reactions to relationship infidelities: comparisons of the roles of sex, gender, beliefs, attachment, and sociosexual orientation. *Evol Psychol.* 2014;12(1):73-96. [pmid: 24495991](#)
8. Fathi M, Parvin S, Javadian R. Comparing the causes of men and women unfaithfulness in marital relationships; a qualitative study. *Qualitative Res Health Sci.* 2016;5(4):401-18.
9. Fisher HE, Aron A. Infidelity, when, whrer, why, in wr eupach and BHsPITZBERG, the dark side of close relationship. II New York: Routedge; 2010.
10. Plaat R, Nalbone DP, Casanova C, Wetchler JL. Parental confiet and infidelity as predidictors of adult childrens attachment style and infidelity. *American J Famil Therap.* 2008;36:149-61. [doi: 10.1080/01926180701236258](#)
11. Guba EG, Lincoln YS. Fourth generation evaluation. Thousand Oaks, CA: SAGE; 1989.
12. Fathi M, Azad H, Ghaffari GH, Bouhaari J. Factors causing marital bias in women. *Soc Welfare Quarter.* 2012;51:109-31.
13. Firouzaeian A, Ghadiri H. A phenomenological study of the causes of marital infidelity. *Iran Soc Stud.* 2017;11(1):147-23.
14. Touesnard LA. Study of the effects of infidelity on contemporary couples [MSc Thesis]. Waterloo, ON: University of Waterloo; 2009.
15. Bravo IM, White Lumpkin P. The complex case of marital infidelity: An explanatory model of contributory processes to facilitate psychotherapy. *America J Famil Therap.* 2012;38(5):421-32. [doi: 10.1080/01926187.2010.522491](#)